

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال چهاردهم، شماره اول

بهار ۱۳۹۲، شماره مسلسل ۵۳

7 بررسی تاریخی نقش اجتماعی بانو حمیده مصفا؛ مادر امام کاظم

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۲/۱۵

تاریخ تأیید: ۹۲/۲/۱

ناهد طیبی*

مادران ائمه **۷**، از جمله انسان‌های تأثیرگذار در عصر ائمه **۷** به‌شمار می‌آیند و از آن‌جا که مصداق بارز "ارحام مطهره" هستند، جایگاه بسیار والایی دارند. در این میان، بررسی زندگانی بانو حمیده، مادر امام کاظم **7** از آن روی که امام باقر **7** و امام صادق **7** در مورد وی سخنان مهم و ارزشمندی داشته‌اند، و نیز از آن جهت که در سایه آشنایی با تاریخ زندگی او می‌توان بخش‌هایی از تاریخ اسلام را با نگاهی نو مرور کرد ضرورت و اهمیت ویژه‌ای دارد. نوشتار حاضر، افزون بر واکاوی روایات مربوط به بانو حمیده و آشنایی با ویژگی‌های شخصی و شخصیتی و جایگاه این بانو در خاندان امامت، به بررسی نقش اجتماعی ایشان با توجه به گزارش‌های موجود در دوران زندگی امام صادق **7** و امام کاظم **7** پرداخته است. مهم‌ترین این گزارش‌ها مواردی است که حاکی از وکیل قرار دادن این بانو برای ادای حقوق مردم مدینه و ارجاع امام صادق **7**

به ایشان برای پاسخ‌گویی به سؤال فقهی و نیز وصی قرار گرفتن وی از سوی

امام صادق **7** است.

واژه‌های کلیدی: امام کاظم **7**، امام صادق **7**، حمیده مصفا، مادر امام کاظم **7**، خاندان امامت.

مقدمه

واکاوی شخصیت زنان برجسته و تأثیرگذار تاریخ، از جمله وظایف مهم و اساسی در هر عصر و برای هر نسلی است. در سایه تحقیق و شناسایی این شخصیت‌ها، می‌توان نقاط مبهم و ناگفته تاریخ را از بوته ابهام و سکوت خارج نمود و افزون بر ایجاد معرفت تاریخی، به دادن الگوهایی ارزشمند برای نسل‌های پسین پرداخت. مادران ائمه از جمله شخصیت‌های تاریخ هستند که با وجود جایگاه والا و عظمت وجودی‌شان کم‌تر به آن‌ها توجه شده و همواره در ضمن بررسی تاریخ و شخصیت فرزندان و یا همسران آنان، اشاراتی - آن هم اندک و کلی - به این بانوان شده و کمتر به صورت مستقل کانون تمرکز اندیشه‌وران و پژوهش‌گران قرار گرفته‌اند.

در این میان بانو حمیده مصفا، مادر امام کاظم **7** از آن جهت که مورد توجه امام باقر و امام صادق **7** بوده و سخنان ارزشمندی در مورد وی از معصوم نقل شده، دارای اهمیتی دوچندان است. از زمان بانو حمیده به بعد، بقیه مادران ائمه : کنیز بودند و با وجود آن که امام معصوم **7**، همسر حرّه (آزاد) نیز داشتند، اما امام پس از آن حضرت از کنیز، زاده می‌شدند و این از موضوعات قابل بحث است.

در نوشتار حاضر، افزون بر واکاوی روایات مربوط به بانو حمیده و جایگاه وی در خاندان امامت و ولایت، به بررسی اوضاع سیاسی - اجتماعی شیعیان در زمان حضور این بانو در خانه ولایت می‌پردازیم تا از لایه‌های زیرین گزارش‌ها، حلقه‌های مفقوده را یافته،

حقیقی در مورد تاریخ زندگی این بانوی بزرگوار کشف نماییم. اخبار داخلی خانه امام به دلیل این که قلم به دستان در صدر اسلام از قشر مخالفان علویان و شیعیان بوده‌اند و نیز از آن روی که معمولاً زنان در حریم و حرمت‌هایی به سر می‌برند که قاعدتاً نمی‌پسندند مورد توجه دیگران قرار گیرند، کم‌تر به دست ما رسیده، اما با استفاده از اطلاعات موجود می‌توان زمینه شناخت پیش‌تری را فراهم ساخت.

پیش از مقاله حاضر، در سال ۱۳۷۷ مقاله «ستاره اندلس، مادر امام موسی کاظم **7**» توسط محمد رضایی، در شماره پانزدهم نشریه قرآن و حدیث (فرهنگ کوثر) به چاپ رسیده است. هم‌چنین محمد اصغری نژاد کتابی با عنوان حمیده مصفا، مادر امام کاظم **7** به نگارش درآورده و در سال ۱۳۷۹ پژوهشکده باقرالعلوم (نشر نورالسجاد) آن را چاپ کرده است. در سال ۱۳۸۶ خلاصه‌ای از همین کتاب را با عنوان «مروری بر حیات نورانی بانوی ستوده، حضرت حمیده **3**» از نویسنده مذکور در شماره دوازدهم فصلنامه تخصصی بانوان شیعه می‌بینیم.

کتاب و مقالات پیش‌گفته مفید و مناسب هستند اما به صورت پژوهشی و محققانه به بررسی روایات و گزارش‌های مربوط به بانو حمیده پرداخته‌اند و بیش‌تر در شمار آثار تألیفی هستند نه پژوهشی و مباحثی نیز وجود دارد که در این آثار به آن پرداخته‌اند. اثر حاضر درصدد پرداختن به آنهاست و امیدواریم گامی - هر چند ناکافی - در جهت تبیین بیش‌تر شخصیت فردی و سیاسی - اجتماعی این بانو برداریم.

مفاهیم سازنده

در نوشتار حاضر، با اصطلاحاتی برمی‌خوریم که آگاهی از آن‌ها در پیش‌برد بحث مؤثر خواهد بود. از این رو، به بررسی مفهومی هر یک می‌پردازیم:

الف) ام ولد^۱

در فقه اسلامی به کنیزی که به هر دلیلی به بردگی گرفته می‌شود یا به واسطه جنگ یا غیر از آن و سپس از مولا و صاحب خود دارای فرزند می‌گردد، «ام ولد» می‌گویند. این کنیز از نظر فقهی، دارای احکامی از جمله استیلاست. استیلا از اصطلاحات فقهی و به معنای کنیزی است که از مولایش صاحب فرزند شود و در نهایت بتواند به واسطه فرزندش آزاد گردد.^۲

ب) ملک یمین

به کنیزی گفته می‌شود که از طریق ملکیت به مولای خود محرم می‌شود و یمین در این جا نسبت مجازی به دست (دست راست) است به معنای چیزی که در دست و تحت سیطره کسی باشد.^۳

ج) مغرب

به غرب جهان اسلام که گاه اندلس را هم در بر می‌گیرد، گفته می‌شود. مسلمانان در دوران حکومت امویان (سال ۶۲ هـ / ۶۸۱ م.) به فرماندهی عقبه بن نافع وارد این منطقه شدند و آن را فتح کردند و دولت در اسه و سپس فاطمیان در همین جا ایجاد شد. در کتاب اطلس دول العالم الاسلامی آمده است: «توحید المغرب کله مع الاندلس ایام یوسف بن ناشفین ثم حکم الموحدون»^۴ نویسنده نقشه مغرب را در صفحه ۱۰۸ همین کتاب می‌آورد و اندلس را در همین جا بررسی می‌کند.

ویژگی‌های شخصی بانو حمیده

برای آشنایی با شخصیت‌های تاریخی، ابتدا به شناخت تبار و ویژگی‌های فردی آنان پرداخته، سپس جایگاه و میزان تأثیرات اجتماعی - سیاسی آنان در عصر مورد نظر تبیین می‌شود. زندگانی بانو حمیده نیز با همین شیوه بررسی می‌گردد.

۱. نام مادر امام کاظم ۷

در اکثر منابع روایی و تاریخی، نام مادر امام کاظم ۷، «حُمَیْدَه» ذکر شده^۵ و در بین مادران ائمه : که کنیز و یا ام ولد هستند، وی تنها بانویی است که در نام وی اختلافی وجود ندارد. ابن عنبه برای نخستین بار، افزون بر حُمَیْدَه، نام «نباته» را نیز با عبارت «وقیل نباته» آورده^۶ که از لفظ قیل، می‌توان دریافت این نام نسبت به نام حُمَیْدَه که نظر غالب است قول ضعیف محسوب می‌شود. یعقوبی می‌نویسد: «أُمَّه ام ولد یقال لها حمیده»؛ و مادر او (موسی بن جعفر ۷) کنیزی صاحب فرزند بوده که به او حمیده گفته می‌شد.^۷

معمولاً در مورد دیگر مادران ائمه با تعدد اسامی مواجه می‌شویم و همین کثرت اسامی، گاه موجب ایجاد شبهه شده است. برای مثال، بانوانی چون مادر امام سجاد ۷ و مادر امام زمان ۷ به سبب تعدد اسامی، همواره به اصل وجود آن‌ها در تاریخ خدشه وارد شده اما مادر امام کاظم ۷ با وجود کنیز بودن، تعدد اسامی ندارد و این قابل تأمل است. گفتنی است که در کتاب خطی نفحة العنبریه در کتابخانه مرحوم کاشف‌الغطاء، ضبط نام مادر امام زمان به شکل حُمَیْدَه دیده می‌شود. هم‌چنین زبیدی وقتی از حمیده به عنوان نام فرد - و نه صفت- یاد می‌کند، با ضبط حُمَیْدَه می‌آورد مانند حُمَیْدَه بنت‌النعمان بن بشیر و هنگامی که به عنوان وصف، به معنای پسندیده و ستایش شده مطرح می‌کند، با ضبط حَمَیْدَه می‌آورد.^۸

در هر حال، در نام این بانو اختلافی نیست اما در ملیت و نسب وی اختلاف اقوال دیده می‌شود.

۲. ملیت مادر امام ۷

در مجموعه منابعی که نام بانو حمیده را آورده‌اند، معمولاً پس از نام به ملیت وی نیز تصریح کرده‌اند که عبارتند از: حُمَیْدَه البربریه^۹، حمیده المغربیه^{۱۰} و اندلسیه^{۱۱} با نگاهی

تسامح‌آمیز می‌توان وجه مشترکی بین هر سه قول یافت و آن این‌که مراد از مغرب در منابع اسلامی متقدم، مجموعه سرزمین‌هایی است که در غرب شبه‌جزیره عربی، یعنی مهد اسلام وجود داشته و از آن‌جا که اندلس در غرب شبه‌جزیره است، از آن با عنوان مغرب یاد می‌شود. از سویی دیگر، بنا بر نقل یاقوت حموی، سرزمین افریقا و ماورای آن، بلاد مغرب نامیده می‌شود.^{۱۲} یعنی افریقایی و مغربی ممکن است برای یک مصداق جغرافیایی استفاده شوند. هم‌چنین وی در توضیح منطقه کرانطه می‌نویسد: «و هو موضع فی ارض البربر من بلاد المغرب»؛ و آن (کرانطه) محلی است در منطقه بربر در سرزمین مغرب.^{۱۳}

بنابراین بربر، در مغرب است و اندلس و افریقا نیز که در روایت‌ها به آن اشاره شده، می‌توانند زیرمجموعه مغرب قرار گیرند و اگر گفته می‌شود حمیده مغربیه یا حمیده بربریه و یا حمیده اندلسیه، از مصادیق اختلاف اقوال در ملیت به شمار نمی‌آید. البته سیدضامن بن شدقم (م ۱۰۹۰) در کتاب تحفة الازهار و زلال الانهار، برای اولین بار رومی بودن مادر امام کاظم **7** را مطرح می‌کند و می‌نویسد: «و قیل حمیده الرومیه»^{۱۴} که به نظر می‌رسد با جریان‌های مربوط به مادر امام زمان **7** به اشتباه، آمیخته شده است.

۳. نسب بانو حمیده

از آن‌جا که در مجموع منابع، ابتدا به «ام ولد» بودن این بانو اشاره شده و سپس موارد دیگر از جمله نام و ملیت و قوم وی مطرح گردیده، در کنیز بودن وی هیچ تردیدی نیست؛ زیرا چنان‌که بیان شد، ام ولد به معنای کنیزی است که از مولای خویش صاحب فرزند می‌شود و در منابع فقهی در مورد وی احکامی ذکر شده است.

در این مقاله وجود گزارش‌هایی قابل بحث است که در آن‌ها به نام پدر و یا برادر بانو حمیده اشاره شده است. اسکافی (م ۳۳۶) می‌نویسد: «أمّه حمیده بنت صاعد البربری و یقال انها اندلسیه و هی ام ولد»؛ مادر او حمیده، دختر صاعد بربری است و گفته شده که

وی اهل اندلس و کنیز صاحب فرزند (ام ولد) است.^{۱۵} در عبارت فوق، افزون بر این که به ام ولد بودن این بانو تصریح شده، نام پدرش نیز بیان گردیده و از آن جا که کتاب منتخب- الانوار از آثار قرن چهارم و از منابع متقدم محسوب می‌شود جالب توجه است. هم‌چنین ابن حاتم شامی (م. قرن ششم) به نقل از طبری شیعی (م. قرن پنجم) می‌نویسد: «و أمه حمیده بنت صاعد البربری» و سپس جریان خریداری وی از برده‌فروش را مطرح می‌کند.^{۱۶} بنا به نقل ابن الساعی (م. ۶۷۴) در کتاب مختصر اخبار الخلفاء، حمیده نوه شقیقه صالح است و این نقل در منابع متقدم قبل از آن دیده نشد.^{۱۷}

البته در برخی از منابع نیز وی را خواهر صالح بربری ذکر کرده و نوشته‌اند: «أمه حمیده البربریه، أخت صالح البربری، و کانت تکنی ام ولد»؛ مادر او (امام کاظم 7) حمیده بربری، خواهر صالح بربری و کنیه‌اش ام‌ولد است.^{۱۸} از مجموع مطالب، می‌توان دریافت گرچه وی کنیز بوده، خانواده‌اش کاملاً مشخص هستند و چون نسبت معینی داشته، به محض اسارت و یا بردگی (به هر دلیلی)، نام وی تغییر نیافته و ریشه‌اش نامعلوم نبوده و شاید از این رو، راوی او را با عبارت «و کانت من اشراف العجم»؛ و او از شریف-ترین نژادهای غیر عرب بوده است.^{۱۹} می‌ستاید. اگر وی نیز مانند دیگر کنیزان، نژاد و نسب مشخصی نداشت و هر برده‌فروشی که مالک او بود، نامش را به خود منتسب می‌کرد، چنین سخنی گفته نمی‌شد.

۴. لقب بانو

بر اساس منابع موجود، لؤلؤه^{۲۰} به معنای گوهر گرانبها، مصفاه^{۲۱} که به معنای پاک بانو و خالص است و مهذب^{۲۲} به معنای بانوی وارسته و مهذب را می‌توان از القاب و اوصاف این بانو برشمرد، گرچه حمیده نیز افزون بر نام، می‌تواند در بردارنده معنای وصفی هم باشد و مفهوم بانوی پسندیده و ستودنی از آن دریافت شود.

v.SID.ir سیدیه‌الاماء نیز از القاب این بانوست^{۲۳} که به معنای بانوی کنیزان است. با تتبع در شرح حال دیگر مادران ائمه که کنیز بودند، می‌بینیم معصوم نیز این وصف را برای مادر امام

زمان **7** ذکر فرموده است.

۵. کنیه بانو حمیده

در منابع متقدم، گزارشی دیده نمی‌شود که این بانو را با کنیه اختصاصی وی خوانده باشند. البته در برخی منابع، عبارت تکنی لؤلؤه^{۲۴} دیده می‌شود که به نظر اشتباه است؛ زیرا کنیه معمولاً با «ام» و «ابو» همراه است. همچنین در منبعی «کانت تکنی ام ولد» دیده می‌شود^{۲۵} که باز به نظر می‌رسد خالی از اشکال نباشد؛ زیرا «ام ولد» اصطلاح عام فقهی برای هر کنیزی است که از مولایش صاحب فرزند می‌شود و حال آن که کنیه معمولاً اختصاصی است و افراد با آن شناخته می‌شوند. تنها در منبعی متأخر بدون ارجاع به منابع متقدم، کنیه وی «ام محمد» گفته شده است^{۲۶} و منابع متأخرتر به همین منبع ارجاع داده-اند^{۲۷} و برخی نیز با استناد به منبع اخیر، ثابت کرده‌اند که محمد معروف به دیباج، فرزند بزرگ‌تر این بانو به شمار می‌آید زیرا کنیه‌اش به نام اوست!^{۲۸} در هر حال، این کنیه در منابع اصیل و متقدم دیده نشد.

۶. اوصاف بانو حمیده

اوصاف و ویژگی‌های بانو حمیده را از چند طریق می‌توان استخراج نمود:

۶-۱ از طریق سخنان معصومان **7** درباره بانو

مجموعه سخنانی که در مورد بانو حمیده از معصوم **7** نقل شده است عبارتند از:

۶-۱-۱- علی بن ابی‌طالب **7** بر منبر کوفه فرمود: «کائی باین حمیده قد ملامها عدلاً و قسطاً»؛ گویا پسر حمیده را می‌بینم که زمین را از عدل و قسط پر می‌کند.^{۲۹} شیخ طوسی وجهی برای این حدیث نقل کرده، می‌نویسد: «این که صاحب الامر را فرزند حمیده

که مادر امام موسی بن جعفر **7** است گفته، مثل آن است که وی را فرزند فاطمه **3**

دانسته‌اند.^{۳۰}

۶-۱-۲- امام باقر **۷** پس از پرسیدن نام حُمیده به وی می‌فرماید: «حمیده فی الدنيا، محموده فی الاخره»؛ در دنیا پسندیده و در آخرت ستایش شده [هستی].^{۳۱}

۶-۱-۳- امام باقر **۷** پس از ملاقات حمیده فرمود: «حمیده سید[ه] الاماء مصفاه من الارجاس کسبیکه الذهب فما زالت الاملاک تحرسها حتی اذنت الی کرامه الله؛ حمیده بانوی کنیزان و سرور آنان است، همچون شمش طلا، از پلیدی‌ها دور بوده، فرشتگان پیوسته او را حفظ کردند تا اجازه یافت به کرامت الهی برسد.^{۳۲}

۶-۱-۴- در روایت دیگری آمده، وقتی امام باقر **۷** از دوشیزه بودن حُمیده و علت این امر آگاه می‌شود، می‌فرماید: «یا اباعبدالله! حُمیده سیده الاماء، مهذبّه، مصفاه من الاجارس کسبیکه الذهب ما زالت الاملاک تحرسها لک حتی ادیت الیک کرامه من الله جلّ جلاله و علا»؛ ای اباعبدالله! حمیده بانوی کنیزان، مهذب و وارسته و همچون شمش طلا، خالص و پاک از پلیدی‌هاست. پیوسته فرشتگان الهی او را حفظ کرده‌اند تا به دست تو رسید و این کرامتی از ناحیه خداوند متعال است.^{۳۳}

به نظر می‌رسد دو خبر اخیر، یکی باشند و اختلاف‌ها یا اساسی نیست و تکرار وصف است مثل صفات «جلّ جلاله و علا» و «مهذبّه» که افزوده شده و یا تصحیف است مثل «ادیت و اذنت». از آن‌جا که دیگر جزئیات دو روایت مشترک است و راویان نیز یکی هستند، می‌توان آن‌ها را یک مورد به شمار آورد و اضافات معمولاً در اثبات الوصیه است که به مسعودی نسبت داده‌اند و در انتساب آن هم اشکال است.

۶-۱-۵- در روایتی دیگر، گفته شده امام صادق **۷** وقتی پس از میلاد امام کاظم **۷** بر وی وارد شد، فرمود: «بَخَّ بَخَّ حل الملك فی بیتک»^{۳۴} آفرین بر تو که مُلک و سلطنت در خانه‌ات جای گرفت.^{۳۵}

در مجموع با استفاده از روایات، می‌توان صفات ذیل را برای بانو حمیده برشمرد:

- حُمیده، بانو و سرور کنیزان بوده است؛
- بانو از هر گونه ناپاکی و ناخالصی به دور بوده است؛
- فرشتگان - بر اساس حکمت الهی برای پذیرش و پرورش امانت بزرگ خداوند یعنی امام **7** - او را نگاهبانی کرده‌اند. در شرح کافی آورده شده، شاید فرشته نگهبان حمیده، همان مرد سپیدموی و ریش است که به برده‌فروش ضربه می‌زده است.^{۳۶}
- او کرامت الهی است. علامه مقامانی سه کرامت از حکایت خریداری استخراج می‌کند.^{۳۷}
- وصف «مصفا» را که وصف غالب اوست، امام تعیین فرموده‌اند.

۶-۲- از طریق نوع برخورد معصوم **7** با بانو حمیده

- ۶-۲-۱- بر اساس روایت کلینی امام باقر **7** پس از خریداری کنیز، شکر الهی به جای آوردند که این نشان دهنده اهمیت ورود حُمیده به خاندان ولایت است. «فحمد الله و اثنی علیه ثم قال لها: ما اسمک».^{۳۸}
- ۶-۲-۲- بر اساس روایاتی که در منابع معتبر دیده می‌شود، امام صادق **7** به عبدالرحمان بن حجاج، از شاگردان آن حضرت که در مورد کیفیت انجام دادن مناسک حج برای فرزند خردسالش پرسید، فرمود: «کنیزی را نزد حمیده مصفاه بفرست و احکام حج کودک را از او بپرس». کنیز او نزد حمیده می‌رود و پاسخ حمیده در مورد کیفیت اعمال حج کودک، در منابع فقهی به عنوان مبنا قرار می‌گیرد. این برخورد امام، نشان دهنده اعتقاد آن حضرت به آگاهی فقهی و قدرت و توانایی پاسخ‌گویی به مسائل فقهی توسط بانو حمیده است.^{۳۹}

۶-۲-۳- امام صادق **7** هرگاه می‌خواستند حقوق مالی مردم مدینه را پرداخت کنند،

آن را به مادرشان ام فروه و همسرشان حمیده مصفا می‌دادند تا ادا کنند.^{۴۰} بدیهی است وکیل امام باید از توانایی معنوی (تقوا و ورع) و علمی و قدرت تدبیر و اداره امور برخوردار

باشد و این انتخاب امام، از وجود ویژگی‌های مذکور در بانو حمیده حکایت می‌کند.

۴-۲-۶- امام صادق **۷** نام حمیده را در بین اسامی کسانی نوشتند که وصی خود قرار دادند. گرچه این یک حرکت سیاسی محسوب می‌شد و نام چهار نفر دیگر غیر امام کاظم **۷** برای حراست از مقام امامت بود، در بین جمعیت کثیری از اصحاب و اعوان آن حضرت، آوردن نام حمیده در وصیت نشان دهنده توجه ویژه امام به او و نیز جایگاه حمیده نزد شیعیان و قابلیت این بانو است. امام نام پنج نفر را برای وصایت قرار می‌دهند: محمد بن سلیمان (والی مدینه)، منصور دوانیقی، عبدالله (پسر بزرگ‌تر)، موسی **۷** و حمیده، مادر آن حضرت.^{۴۱}

پیوند با امام صادق **۷** (ورود به خاندان امامت)

در مورد پیوند بانو حمیده با خاندان امامت و ولایت، با چند نکته مهم روبه‌رو هستیم:

۱. خریداری حمیده و پیوند با امام صادق **۷**

سه خبر و گزارش در منابع متقدم، در مورد کیفیت ورود حمیده پاک به خانه امام صادق **۷** وجود دارد که برخی از آن‌ها در جزئیات با هم متفاوت هستند:

۱-۱- روایت اول از عکاشه بن محسن اسدی، از اصحاب امام صادق **۷** نقل شده و در منابع مهم شیعی (کلینی، ۱۳۶۳) دیده می‌شود. نکات مهم در این گزارش عبارت است از:

- عکاشه بن محسن اسدی خریدار حمیده است.

- فروشنده مردی برده‌فروش از اهالی بربر است که در خانه میمون یا محلی به نام

"دار میمون" منزل می‌کند. (شاید از این رو وی را حمیده بربریه گویند).

- کنیز به مبلغ هفتاد دینار خریداری می‌شود. www.SID.ir

- جریان دوشیزه بودن حمیده مطرح می‌شود با این جمله که هرگاه برده فروش

تصمیم سویی داشت، خداوند مردی را که موی سر و رویش سفید بود، بر او مسلط می‌کرد و او را سیلی می‌زد تا کنیز را رها می‌کرد.

- امام باقر ۷ در همان مجلس، حُمیده را به امام صادق ۷ بخشیده می‌فرماید: «ای جعفر! او را برای خود بپذیر».

نکته قابل تأمل در این روایت، جمله عکاشه به امام باقر ۷ است که می‌گوید: «چرا برای ابا عبدالله همسری نمی‌گیری دیگر زمان آن فرا رسیده است». ^{۴۲} در حالی که امام صادق ۷ در سال ۸۰ یا ۸۳ متولد شدند و اگر حداقل زمان ورود حمیده به خانه امام را یک سال قبل از تولد فرزندش (۱۲۷ق) بگیریم در آن تاریخ، امام صادق ۷ ۴۴ و یا ۴۷ ساله بوده‌اند و با توجه به فرهنگ و رسوم مردم شبه‌جزیره عربی، در آن دوره نمی‌توان ۴۴ یا ۴۷ سالگی را ابتدای زمان ازدواج فرض کرد. البته در صورت صحت سند و دلالت روایت می‌توان این مسأله را از روایت فهمید که حمیده اولین همسر امام صادق ۷ است و گرنه گفته نمی‌شود زمان ازدواج وی فرا رسیده است.

۱-۲- روایت دوم از جابر است که مسعودی و سپس طبری آن را نقل کرده‌اند. ^{۴۳}

نکات مهم در این گزارش عبارتند از:

- جابر، خریدار حمیده از مرد برده فروش است.
- برده فروش مردی از اهالی مغرب است (شاید با استناد به این مطلب وی را حمیده مغریه نامیده‌اند).

- بهای کنیز هفتاد دینار بوده و داستانی مشابه گزارش فوق دارد.

- برده فروش شب قبل از فروش حمیده، خواب پیامبر ۶ را می‌بیند و کنیز را در برابر همان کیسه پول (۷۰ دینار) می‌خرد.

- دوشیزه بودن حمیده در این روایت با تعبیر «مردی خوش‌سیما که فقط من او را

می‌دیدم، مانع می‌شد» آورده شده است.

- امام باقر **7** در همان مجلس وی را به امام صادق **7** می‌بخشد. سند این روایت، مرفوعه است و منبع اولیه آن اثبات الوصیه است که منسوب به مسعودی بوده، هنوز صحت انتسابش اثبات نشده است.
- ۱-۳- روایت سوم از هشام بن احمر نقل شده^{۴۴} و نکات مهم آن عبارت است از:
- هشام بن احمر خریدار حمیده، است.
- فروشنده، برده فروشی است افریقایی (که نسبت به دیگر برده‌فروشان حریص و طماع نیست و تعیین قیمت را به امام واگذار می‌کند).
- ابتدا کنیزی نداشت ولی در رجوع بعدی هشام، خدمتکاری بیمار را می‌آورد که به دو کنیز تکیه داده بود و پاهایش را روی زمین می‌کشید. این همان حمیده است.
- امام باقر **7** دوپست دینار برای خرید این کنیز می‌دهد!
- برده فروش، جاریه را در راه خدا آزاد می‌کند و پول را نمی‌پذیرد!
- امام به هشام بن احمر می‌گوید: «اما آنها تلد مولوداً لیس بینه و بین الله حجاب»؛ آگاه باش که او فرزندی به دنیا می‌آورد که میان او و خداوند حجابی نیست.
- برده فروش دوشیزه بودن وی و ناکامی برده‌فروشان از او را به هشام بن احمر می‌گوید (نه حمیده به امام باقر **7**).
- در این روایت چندین مورد خودستیزی یا تناقض درونی و اشکال محتوایی وجود دارد: برده فروش از یک طرف می‌گوید جاریه‌ای ندارم و از سوی دیگر پس از بازگشت هشام، جاریه‌ای بیمار را می‌آورد که بر دو جاریه سالم تکیه داده بود؛ یعنی سه کنیز داشته ولی وجود کنیز را انکار می‌کند مگر آن که مراجعه بعدی هشام با فاصله زیاد بوده باشد. از سوی دیگر، برده فروش به هشام می‌گوید که کنیز را نزد مولایش ببرد تا قیمت را تعیین کند و این مرسوم نبوده است. نکته مهم‌تر این که طبق این گزارش، برده فروش افریقایی پولی بابت کنیز نمی‌گیرد و حال آن که قبل از آن تعیین قیمت را به خریدار وامی‌نهد و بعد هم کنیز را آزاد می‌کند. این مطلب با آنچه در تمام منابع به اتفاق آمده و حمیده را «ام

ولد» می‌خوانند، تناقص دارد؛ زیرا اگر کنیزی آزاد شود خُره محسوب می‌شود و احکام خُره را دارد. نکته دیگر این که آیا مبلغ دویست دینار برای خرید کنیزی بیمار مرسوم بوده است؟!

خلاصه آن که روایات مذکور از نظر محتوا با هم اختلاف دارند و به ویژه روایت سوم، از نظر ارزیابی درونی (محتوایی) پذیرفتنی نیست.

بررسی سندی روایت‌های خریداری حمیده

سند روایت عکاشه عبارت است از: «الحسین بن محمد عن المعلى عن علی بن السندي عن عیسی بن عبدالرحمان عن ابيه عن ابن عکاشه بن محصن الاسدی قال...»^{۴۵}. این حدیث از نظر سند ضعیف و از نظر اتصال، مسند است.

سند روایت مربوط به جابر بن عبدالله عبارت است از: «حدثنا ابوالفضل محمد بن عبدالله، قال: حدثني ابوالنجم ابن عمار الطبرستانی، قال: حدثني ابو جعفر بن علی السلمغانی رفعه الی جابر قال...»^{۴۶} سند این روایت، مرفوعه است. البته مسعودی در اثبات الوصیه حدیث جابر را بدون ذکر راویان اولیه به صورت مرفوعه آورده است.

سند حدیث سوم عبارت است از: «عبدالجبّار بن علی الرازی عن شیخ الطائفة عن الحسين بن عبيدالله عن احمد البزوفری عن حميد بن زياد عن العباس بن عبيدالله بن احمد الدهقان عن ابراهيم بن صالح الانماطی عن محمد بن الفضيل و زياد بن النعمان و سيف بن عميره عن هشام بن احمر قال...»^{۴۷}

گرچه هشام بن احمر کوفی از اصحاب امام صادق 7 و کاظم 7 بوده، این گزارش

از نظر مضمون هم اشکال دارد و به نظر می‌رسد مربوط به بانو نجمه، مادر امام رضا 7 است نه حمیده.

این گزارش را شیخ طوسی می‌آورد و سند آن چنین است: «و بهذا الاسناد عن ابراهيم

بن صالح عن محمد بن فضيل و زياد بن نعمان و سيف بن عميره عن هشام بن احمر...»^{۴۸}

همچنین طبرسی در پایان این گزارش، اشاره می‌کند که شیخ مفید نیز در کتاب ارشاد خود مانند این خبر را به سند هشام بن احمر می‌آورد با این تفاوت که طبق آن خبر، امام کاظم **۷** دستور خرید جاریه را می‌دهد و او مادر امام رضا **۷** است (همان) نه مادر امام کاظم **۷**. مجلسی نیز به این مطلب اشاره دارد.^{۴۹} در هر حال، به نظر می‌رسد از نظر سندی در مطالعات تاریخی و در مورد فوق نمی‌توان راه به جایی برد؛ زیرا از قوت سند برخوردار نیستند و باید همت خود را بر دلالت روایات متمرکز کنیم.

ازدواج با عقد یا "ملک یمین"

معمولاً نکاح مشروع به دو نوع تقسیم می‌شود؛ نکاح با عقد و نکاح ملک و این که مردی با کنیزی که ملک اوست نکاح کند ملک یمین گویند.^{۵۰} این که آیا امام صادق **۷** و حمیده با هم ازدواج عقدی کردند و یا این بانو ملک یمین امام صادق **۷** بود، از نکاتی است که می‌توان با استفاده از روایات مربوط به خریداری بانو در مورد آن بحث کرد.

در پایان روایت کلینی آمده که امام باقر **۷** فرمود: «یا جعفر! خذها الیک»؛ ای جعفر! او را بگیر.^{۵۱} از عبارت مذکور، نمی‌توان آزاد کردن حمیده و سپس تزویج وی را برداشت نمود و به نظر می‌رسد امام باقر **۷** کنیز را خریداری نموده و به فرزندش امام صادق **۷** بخشیدند و او ام ولد محسوب می‌گردد.

همچنین تمامی منابع مربوط به شرح حال امام کاظم **۷**، مادر آن حضرت را «أم ولد» دانسته‌اند و سپس نام و ملیت و یا وصف او را ذکر می‌کنند. پس وی هم‌چنان کنیز بوده و آزاد نشده بود؛ چنان که بنابر روایت طبرسی، حمیده به امام صادق **۷** داده شده؛ «فدفعها ابو جعفر الی ابی عبدالله»؛ ابو جعفر این بانو را به امام صادق **۷** داد.^{۵۲}

نکته قابل توجه این که از امام کاظم **۷** به بعد، مجموعه مادران ائمه از کنیزان

هستند و این چند دلیل می‌تواند داشته باشد:

- برای تعظیم گروهی از قشرهای جامعه که همواره مورد تحقیر و توهین قرار می- گرفتند.

- ایجاد زمینه پیوند زناشویی برای کنیزان با حرمت بخشیدن به آنان پس از حضور در خانه امام با ایجاد الگوی برتر.

- کنیزان مورد نظر که افتخار مادری ائمه را یافتند، قابلیت‌هایی داشتند و بر اساس همان قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها، برگزیده و به عنوان مربی امام معصوم انتخاب شدند.

- سیره پیامبر 6 و معصومان پیش از امام صادق 7، ایجاد زمینه آزادی و یا

کامیابی قشرهای مستضعف جامعه بود؛ چنان که پیامبر 6 بانوان اسیر را آزاد می- فرمودند و در صورت تمایل خودشان با آن‌ها ازدواج می‌کردند.^{۵۳} تنها در روایت طبرسی، به آزاد شدن حمیده تصریح گردیده و آزادی او نیز به برده فروش نسبت داده شده است؛ یعنی برده فروش قیمت کنیز را به اختیار خریدار گذاشت و بنا به نقل راوی (هشام بن احمر) وقتی امام صادق 7 این سخن را شنیدند مبلغ دویست دینار به هشام دادند تا کنیز را بخرد و هنگامی که راوی نزد برده فروش برمی‌گردد، او می‌گوید: «هی حُرّه لوجه الله ان لم یکن بعث الی بشرائها من المغرب؛ اگر کسی از مغرب برای خرید او نزد من فرستاده نشود.؛ این (کنیز) در راه خدا آزاد است».^{۵۴} گرچه طبق این روایت حمیده آزاد شد، از آن‌جا که روایت هم مشکل سندی دارد و هم تناقض درونی در آن دیده می‌شود و از نظر دلالت خالی از اشکال نیست، نمی‌توان به آن استناد کرد. بنا بر این عقد آن‌ها به صورت ملک یمین بوده است.

۳. فرزندان بانو حمیده

برای امام صادق 7 افزون بر بانو حمیده، پنج همسر دیگر ذکر شده است به نام‌های فاطمه بنت الحسین بن الامام زین العابدین (یا فاطمه بنت الحسین الاثرم پسر امام حسن مجتبی 7)، ام مالک بن انس، ام ابی حنیفه، ام وهب بن وهب ابوالبختری و أم سالمه.

نکته قابل توجه این که در بین این شش زن، تنها حمیده که کنیزی مغربی (اندلسی یا بربری) بود، قابلیت پرورش ودیعه الهی و هفتمین امام را داشته است. شاید در ابتدا به نظر رسد فاطمه بنت‌الحسین با آن نسب والا، برای مادری امام بهترین گزینه باشد اما حکمت و اراده الهی این مقام والا را شایسته کنیزی می‌داند که گرچه گفته شده از اشراف عجم بودند، به یقین شرافت خاندان امامت و عصمت را نداشتند.

بانو حمیده بر اساس منابع تاریخی، دارای چهار فرزند به نام‌های موسی بن جعفر **7**، اسحاق، محمد دبیاچ و فاطمه بوده است^{۵۵} شیخ صدوق می‌نویسد: «و این بانو مادر دو برادر موسی **7**، [یعنی] اسحاق و محمد بن جعفر نیز هست»^{۵۶} و بنا به نقل کاتب بغدادی و اربلی، وی هم‌چنین مادر اسحاق و فاطمه است.^{۵۷} ابوالفرج اصفهانی نیز اسحاق، محمد (دبیاچ) و فاطمه را از فرزندان امام صادق **7** از حکیمه می‌داند.^{۵۸} در تعداد فرزندان امام صادق **7** اختلاف است. در برخی منابع، تعداد فرزندان آن حضرت، شش پسر و یک دختر به نام فاطمه یا ام فروه و در منابعی دیگر، هفت پسر و سه دختر به نام‌های فاطمه، اسماء و ام فروه ذکر شده است.

امام صادق **7**، اسحاق و برادرش عبدالله و چند نفر دیگر را گواه و شاهد بر نصّ امامت امام موسی بن جعفر **7** می‌گیرند.^{۵۹} همان‌گونه که امام کاظم **7** وی را شاهد وصیت خود بر نیابت امام رضا **7** می‌گیرند و نام وی ذیل وصیت‌نامه آن حضرت بوده است.^{۶۰} مجموعه رجال یون شیعی، وی را ثقه می‌دانند.^{۶۱}

۴. تولد امام کاظم **7**

بر اساس گزارش‌های موجود، امام کاظم **7** در سال ۱۲۸ قمری در سرزمین ابواء (بین مکه و مدینه و محل قبر مطهر بانو آمنه)، چشم به جهان گشوند. از آن جا که ابوبصیر تصریح می‌کند، هنگام تولد موسی بن جعفر **7** از مکه و سفر حج باز می‌گشتند، بانو

حمیده در این سفر با وجود آن که آخرین ماه‌های بارداری را سپری می‌کرده، به حج مشرف شده بود.^{۶۲}

در این که آیا حمیده اولین همسر امام صادق **7** بوده و امام کاظم **7**، فرزند بزرگ‌تر بودند، اختلاف اقوال وجود دارد. شیخ مفید در آثار خود تصریح می‌کند، اسماعیل فرزند بزرگ‌تر امام صادق **7** و مورد علاقه آن حضرت بود و از این رو اسماعیلیه، وی را برای امامت شایسته‌تر می‌دانند و معتقدند امامت به فرزند ارشد (اکبر) می‌رسد نه فرزندان دیگر^{۶۳} عده‌ای دیگر بر اساس همان روایت، که فرزند ارشد را شایسته نیابت و خلافت امام می‌دانند، معتقدند امام کاظم **7** فرزند بزرگ‌تر هستند. مجلسی می‌نویسد: «این که اسماعیلیه معتقدند چون اسماعیل بزرگ‌ترین فرزند امام بوده واجب است که نصّ بر فرزند اکبر باشد، وقتی واجب است که فرزند امام، پس از وی در قید حیات باشد، چون نصّ یعنی "منصوص علیه" جانشین امام گردد و وقتی او بعد از امام زنده نباشد (مانند اسماعیل که در زمان حیات امام از دنیا رفت)، چگونه نصّ (به معنای خلافت پس از امام) بر وی صحیح است».^{۶۴}

نکته دیگر که در روایت کلینی و گزارش خریداری حمیده پیش از این بیان شد، عکاشه از امام باقر **7** می‌پرسد که آیا فرزندش را تزویج نمی‌کند در حالی که وقت ازدواج او فرا رسیده است!^{۶۵} در حالی که امام صادق **7** در آن زمان ۴۴ یا ۴۷ سال داشتند و عرف آن زمان، فرد در دهه پنجم زندگی را در ابتدای مسیر ازدواج نمی‌دانستند.^{۶۶} مگر آن که گفته شود وی ازدواج کرده ولی هنوز صاحب فرزند نشده و پس از پیوند با حمیده، اولین فرزند او یعنی موسی بن جعفر **7** به دنیا آمد که در این صورت نیز با نقل‌هایی که اسماعیل را فرزند بزرگ‌تر امام می‌دانند تعارض می‌یابد.

از بحث مذکور در این‌جا، استفاده می‌شود که پس از امام صادق **7**، فرقه‌های متعدد شیعی به وجود آمدند که برخی از آن‌ها بر اساس همین عقیده که فرزند ارشد امام باید

جانشین وی باشد، شکل گرفتند. فرقه اسماعیلیه، به امامت اسماعیل بن جعفر قائل بودند چون وی را فرزند بزرگتر امام می‌دانستند. و فرقه مبارکیه به امامت محمد، پسر اسماعیل بن جعفر قائل بودند و می‌گفتند: چون اسماعیل پسر بزرگتر بوده و قبل از پدر از دنیا رفته، فرزندش لایق این مقام است.^{۶۷} سمطیه (یا سمیطه) به امامت محمد بن جعفر، فرزند دیگر بانو حمیده اعتقاد داشتند.^{۶۸} و فطحیه به امامت عبدالله بن جعفر افطح قائل بودند؛ زیرا وی پس از مرگ اسماعیل بزرگ‌ترین فرزند امام صادق **۷** به شمار می‌رفت. در این میان، تنها فرقه امامیه امامت حضرت موسی بن جعفر **۷** را قبول داشتند و بقیه موارد را انکار کردند.^{۶۹}

ویژگی‌های شخصیتی بانو حمیده

ویژگی‌های شخصیتی بانو حمیده را پس از ارایه تصویری از دوره زندگی او در مدینه می‌توان ترسیم نمود و سپس درباره نقش‌هایی که با توجه به گزارش‌های موجود برای او تبیین شده بحث کرد.

۱. نقش بانو حمیده در اوضاع سیاسی - اجتماعی عصر امام صادق **۷**

بررسی اوضاع سیاسی - اجتماعی در زمان حضور بانو حمیده در مدینه را باید از حدود سال ۱۲۷ قمری یعنی یک یا دو سال پیش از تولد امام کاظم **۷** به بعد پی گرفت. از آن - جا که هیچ تاریخی در مورد زمان رحلت این بانو در دست نیست، سقف مشخصی برای این زمان نمی‌توان در نظر گرفت. تنها به صورت قطعی می‌توان تا زمان تولد امام رضا **۷** یعنی سال ۱۴۸ قمری دانست. به این دلیل که بر اساس گزارشی، بانو تا آن زمان قطعاً در قید حیات بوده است.

در این مدت خلفایی چون مروان بن محمد معروف به مروان حمار (۱۲۶-۱۳۲ق)، سفاح (۱۳۲-۱۳۷ق) و منصور دوانیقی (۱۳۷-۱۵۸ق) اولین خلفای عباسی خلافت کردند

که جملگی با خاندان امامت رابطه مناسبی نداشتند و دشمنی می‌ورزیدند. ابتدای ورود بانو به مدینه، هم‌زمان با اواخر حکومت مروانین و آغاز خلافت عباسی بود. در حقیقت این بانو پنج سال پایانی حکومت مروانین را مشاهده نمود و بقیه عمر را در عصر خلافت عباسیان زیست.

از آن‌جا که تبلیغات و مبارزات سیاسی عباسیان که از سال ۱۰۰ ق. به صورت پنهانی رسمیت یافته بود.^{۷۰} از سال ۱۲۹ ق. شکل نظامی به خود گرفت و در سال ۱۳۲ ق. به پیروزی رسید، فکر مروانین را از یک سو و عباسیان را از سوی دیگر مشغول کرده بود. در این سال‌ها آرامش نسبی در خاندان امامت حاکم می‌شد. از این رو، امام صادق **7** فرصتی یافتند تا شیعیان را از نظر فکری و فرهنگی، رشد دهند و با انواع علوم آشنا سازند و به نظر می‌رسد فشارهای سیاسی بر خاندان ولایت در این برهه کاهش یافته بود. گفته شده آزادی نسبی، تنها در دهه سوم قرن دوم هجری وجود داشته که حتی در همان دهه نیز فعالیت‌های امام صادق **7** و شیعیان ایشان تحت کنترل بود، اما پیش از آن بنی امیه و پس از آن منصور، شدیدترین فشارها را علیه شیعیان اعمال کردند. در یک تحلیل، دوران امام صادق **7** دوره بروز فتنه‌ها، جنگ‌ها و جنبش‌های سیاسی درگیر با یکدیگر و نیز دوره ظهور گرایش‌های مذهبی و نحله‌های گوناگونی بود نظیر غلات، ملحدان، زندیقان و شکاکان.^{۷۱}

ابوالعباس سفاح (۱۳۲-۱۳۷ ق.) در دوره چهار ساله خلافت خود با شیعیان به نرمی رفتار می‌کرد و فشاری بر آن‌ها وارد نساخت و بیش‌تر به تصفیه حساب‌های شخصی و سیاسی با امویان و کشتار جمعی آنان مشغول بود و شاید این نرمش، به دلیل دوری امام صادق **7** از صحنه فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی بود و از سویی هنوز به علویان احساس نیاز می‌شد.^{۷۲} دوران خلافت منصور برای شیعیان سخت بود و وی به بهانه‌های مختلف، گاهی امام صادق **7** را به عراق احضار می‌کرد و نقشه قتل وی را می‌کشید، ولی هر بار به دلیلی موفق نمی‌شد. منصور شیعیان مدینه را تحت کنترل قرار می‌داد و

جاسوسانی داشت تا کسانی را که با شیعیان امام صادق **7** در رفت و آمد بودند، گردن - زنند.^{۷۳} در این دوران، شدیدترین ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها برای امام صادق **7** و شیعیان آن حضرت اعمال می‌شد. با توجه به نوع وصیت امام صادق **7**، می‌توان به شدت اختناق در دوره خلافت منصور پی برد.

هنگامی که محمد بن سلیمان، فرماندار مدینه به منصور خبر داد که امام صادق **7** از دنیا رفته، وی را مأمور کرد تا جست‌جو کند و ببیند امام چه کسی را وصی خود کرده تا او را بکشد. محمد بن سلیمان نامه‌ای به این شکل به منصور نوشت: «جعفر بن محمد، پنج نفر یعنی منصور دوانیقی، محمد بن سلیمان، عبدالله بن جعفر (فرزندش)، موسی بن جعفر (فرزند دیگرش) و حمیده (همسرش) را وصی خود قرار داده است، کدام را بکشیم؟»^{۷۴} منصور در برابر این وصیت امام، نتوانست نقشه خود را عملی کند.

البته این وصیت امام جنبه سیاسی داشت و آن حضرت پیش از مرگ، بارها امام پس از خویش را معرفی کرده بودند. شیخ طوسی می‌نویسد: «لِستَر امره و حراسته»؛ این عمل را برای پوشاندن امر امامت و حفظ و حراست از جان امام کاظم **7** آن جام داد.^{۷۵} شیخ مفید نیز معتقد است که از جهت تقیه، چهار نفر غیر از موسی بن جعفر **7** معرفی شده‌اند.^{۷۶} در هر حال از گزارش یاد شده، نکات ذیل را می‌توان دریافت:

الف) شدت فشارهای سیاسی عباسیان بر امام صادق **7**؛

ب) وجهه و عظمت شخصیت بانو حمیده در بین مردم که باعث می‌شود نام او را به عنوان وصی خود قرار دهد.

ج) در وصیت از دو شخصیت مخالف و سه شخصیت موافق نام برده شده که با اندک دقت معلوم می‌شود موسی بن جعفر **7** در بین آن‌ها ویژگی‌های خاص امامت را دارا

و انتخاب بانو حمیده از بین آن‌ها که حتی برخی از خاندان‌های مشهور علوی و عربی بودند، نشان دهنده مقام بانو نزد امام و جایگاه اجتماعی او نزد شیعیان است.

بر اساس گزارشی، منصور عباسی در اواخر حیات امام صادق 7، شخصی به نام ریحان بن عثمان را که بسیار خشونت‌گرا و سنگدل بود، به فرمانداری مدینه منصوب کرد تا نهضت این شهر را که در پی مقام محمد بن عبدالله بن حسن معروف به «نفس زکیه» ایجاد شده بود، در هم بشکند. ریحان با سخنان خشونت‌آمیز و تند خود، موجب اعتراض و شورش مردم شهر شد. منصور پس از شنیدن گزارش ریحان، نامه تهدیدآمیزی خطاب به مردم مدینه نوشت و توسط ریحان برای آنان فرستاد. وی نوشت که اگر به مخالفت‌ها و اعتراض‌های خود ادامه دهند، راه‌های بازرگانی از طریق خشکی و دریا را مسدود کرده، آنان را در محاصره اقتصادی قرار می‌دهد و یا با حمله نظامی نابودشان می‌کند. پیش از آن که خواندن نامه توسط ریحان به پایان برسد، فریاد اعتراض مردم بلند شد و با خشم فراوان، وی را که بر بالای منبر بود سنگ‌باران کردند و او گریخت. منصور در پی این واقعه، تهدید خویش را عملی کرد و راه‌های تجارت و بازرگانی به سوی مدینه را بست و مردم را در محاصره اقتصادی قرار داد و این محاصره تا زمان خلافت پسرش مهدی ادامه داشت.^{۷۷}

به یقین محاصره اقتصادی مدینه، وضعیت شیعیان را سخت‌تر از پیش کرده و آن‌ها افزون بر فشارهای سیاسی و محدودیت‌های اجتماعی، با مشکل فقر و ناداری نیز مواجه شده بودند. در این میان خاندان امامت، مرکز ثقل فشارهای سیاسی و اقتصادی بودند؛ زیرا عباسیان آن‌ها را دشمن اصلی خویش قلمداد می‌کردند و اکثر قیام‌های آن زمان توسط علویان و در واقع شیعیان صورت می‌گرفت. در چنین اوضاعی، بانو حمیده در خانه امام صادق 7، رهبر دینی و سیاسی گروه شیعیان، زندگی می‌کرد و به طور طبیعی با دشواری‌های آن دوره روبه‌رو بود. از وضعیت داخلی خانه امام و زنان و کودکان، هیچ گزارشی در دست نیست اما با ترسیم اوضاع آن دوره می‌توان به تحلیل مناسبی از میزان

سختی‌ها پرداخت و به نقش مهم بانوان در مدیریت بحران و ایجاد آرامش در نیروهای شیعی پی برد.

از دو گزارش ذیل، می‌توان دریافت که به سبب مشکلات سیاسی عصر امام صادق **۷** نقش زنان در خانه آن حضرت پر رنگ بوده و گرچه موارد دیگری در منابع یافت نمی‌شود، می‌توان احتمال داد که این موارد به راویان یا به دست ما نرسیده باشد:

الف) امام صادق **۷** پاسخ‌گویی به سؤال فقهی یکی از اصحاب در مورد کیفیت حج فرزندش را به بانو حمیده می‌سپارد و از وی می‌خواهد تا کنیزش را نزد بانو بفرستد و پاسخ را دریافت کند.^{۷۸}

ب) امام کاظم **۷** می‌فرمود: «هرگاه امام صادق **۷** می‌خواست حقوق اهل مدینه را بپردازد، مادرش، ام فروه و همسرش، حمیده مصفا را برای این کار می‌فرستاد».^{۷۹} از واژه «بعث» در این روایت، می‌توان فهمید که آنان برای اعطای حقوق مردم، از خانه بیرون می‌رفتند و حقوق را می‌پرداختند و شاید به دلیل اختناق حاکم، این عمل را بانوان خانه ترجیحاً انجام می‌دادند.

۲. حُمیده؛ راوی حدیث

از بانو حمیده چند روایت بر جای مانده که به طور خلاصه بیان می‌شود:

۱-۲- عبدالرحمان بن حجاج، از اصحاب امام صادق **۷** از آن حضرت پرسید: «در این جا [مکه] فرزندی [پسر] به دنیا آمده است. وظیفه چیست؟» امام فرمود: «به کنیزی بگو». حمیده را ملاقات کرد و از او در این مورد بپرسد. کنیز از بانو حمیده پرسید و او فرمود: «در روز ترویبه از جانب وی نیت کنید و لباس دوخته را از تن او دور نماید و لباس احرام بپوشانید و...». این پاسخ حُمیده مبنای فقهی در حج نیابتی از کودکان شده و در بسیاری از منابع فقهی به عنوان مستندات نقلی از آن یاد می‌شود.^{۸۰}

نکته جالب در این روایت، این است که حضور بانو حمیده در مکه را می‌توان از روایت

دریافت اما این که آیا این دومین سفر بانو به حج پس از سفری بوده که امام کاظم 7 در آن به دنیا آمد یا در همان سفر معلوم نیست.

عبدالرحمان بن حجاج از اصحاب امام کاظم 7 است که بنا به نقل رجال کشی، حضرت او را دوست می‌داشتند و بهشتی می‌دانستند و همواره به او می‌فرمودند: «یا عبدالرحمان کَلِّمْ اهل المدینه فانی اُحِبَّ ان یری فی رجال الشعیبه مثلک»؛ ای عبدالرحمان! با اهل مدینه سخن بگو که من دوست دارم در بین شیعیان مانند تو را [زیاد] بینم.^{۸۱} این که چنین شخصیتی به حمیده ارجاع داده می‌شود، یک نکته مهم است. نکته دیگر این است که وقتی امام صادق 7 به همسرش بانو حمیده ارجاع می‌دهد، قدرت علمی و توانایی پاسخ‌گویی به مسائل شرعی و نیز اعتبار و مقام این بانو را اثبات می‌فرماید. البته از وی می‌خواهد تا زنی را نزد حمیده ببرد تا ضرورت حفظ حریم‌ها نیز محفوظ بماند.

۲-۲- ابوبصیر گوید:

خدمت ام‌حمیده (!) رفتم تا وی را در مرگ امام صادق 7 تسلیت دهم. بانو گریست و من نیز از گریه‌اش گریستم. سپس فرمود: «اگر ابا عبدالله (امام صادق 7) را به هنگام مرگ می‌دیدید شگفت‌زده می‌شدید». او دو دیده‌اش را گشود و فرمود: «همه خویشانم را گرد هم جمع کنید و کسی باقی نماند» که ما جمع کردیم. آن‌گاه نگاهی به آنان کرده و فرمود: «به راستی که شفاعت ما به کسی نرسد که نماز را سبک می‌شمارد.^{۸۲}

گفته شده در این روایت ظاهراً ام‌حمیده، «ام کاظم، حمیده» بوده که کاظم در استنساخ ساقط شده است.

۳-۲- در محاسن برقی روایتی از عبدالله بن جبلة از حمیده از جابر از امام باقر 7 از

پیامبر 6 نقل شده که فرمود:

التارکون ولایة علی المنکرون لفضله المظاهرون لاعداء خارجون من الاسلام

من مات منهم علی ذلک؛

کسانی که ولایت علی **7** را ترک کردند و منکر فضیلت‌های وی شدند و

از دشمنان وی حمایت کردند، مادامی که بر همین حالت از دنیا روند از دین

اسلام خارج شده‌اند.^{۸۳}

منابع پس از وی این روایت را از محاسن برقی آورده‌اند. وجود راوی با نام حمیده در این روایت، احتمال این که منظور از راوی مذکور همسر امام کاظم **7** باشد را تقویت می‌کند؛ زیرا از نظر هم‌عصر بودن وی، می‌تواند واسطه‌ای بین عبدالله بن جبلة و جابر بن یزید جعفی باشد که از روایان طبقه امام صادق **7** و امام کاظم **7** است. عبدالله بن جبلة که واقفی بوده و نجاشی و حلی و دیگر رجالیون وی را ثقہ می‌دانند.^{۸۴} معمولاً از حمید بن جناده (ظاهراً همان جباره است که در برخی نسخه‌ها تصحیف شده) و حمید بن شعیب سبعی، روایات زیادی را نقل کرده ولی در همه موارد نام حمید با نسب وی آمده و حمیده به طور مطلق در کمتر روایتی دیده می‌شود.^{۸۵}

در این جا دو نکته قابل بحث است:

الف) مرحوم خویی به نقل از شیخ طوسی در مورد عبدالله بن جبلة می‌نویسد:

کُتِبَ رَوایَات رَوینَاها بِالاسناد الاول عن حمید عن احمد بن میثم.^{۸۶}

ب) روایاتی با این مضمون، در منابع دیگر وجود دارد که در روایان آن‌ها نام «حمید»

دیده می‌شود نه حمیده.

گفتنی است که امکان اشتباه در استنساخ همیشه وجود دارد اما افزودن تاء تأنیث بدون این که حرف مشابه آن وجود داشته باشد، در انواع تصحیفات هیچ جایی ندارد. در هر حال، هم‌چنان احتمال این که حمیده مورد نظر در محاسن برقی، مادر امام کاظم **7** باشد وجود داشته، به بررسی بیش‌تر نیاز دارد؛ اما راوی حدیث بودن این بانو با همان دو حدیث مذکور

هم اثبات شدنی است. البته عجیب است که با وجود روایت دوم، نام بانو در کتاب اعلام النساء المؤمنات در بین راویان امام صادق 7 و امام کاظم 7 دیده نمی‌شود!^{۸۷}

۳. حُمیده؛ وکیل امام صادق 7

کلینی روایتی را به سند خود از عبدالله کاهلی نقل می‌کند که گفت:

همسر من و همسر ابن‌مارد برای عزاداری‌ها از خانه خارج می‌شدند و ما گفتیم که این عمل حرام است. گفتند: «پس وقتی کسی از ما از دنیا رفت آیا به دنبال او نرویم؟»

سپس وی گفت:

امام کاظم 7 فرمود: «عن الحقوق تسألنی کان ابی یبعث أُمّی و ام فروه تقضیان حقوق اهل المدینه؛» از من درباره حقوق می‌پرسید. پدرم برای اعطای حقوق اهل مدینه مادرم و ام فروه [مادر بزرگم] را می‌فرستاد.^{۸۸}

شیخ حر عاملی در بحث جواز خروج زنان در عزاداری‌ها، برای ادای حقوق دیگران به این روایت استناد می‌کند.^{۸۹}

از حدیث مذکور می‌توان میزان اعتماد امام صادق 7 به همسر بزرگوارش، بانو حمیده را دریافت؛ به علاوه، انجام دادن این کار در اوضاع سخت سیاسی - اجتماعی و فرهنگی آن دوره، به تدبیر و دانش و شجاعت نیاز داشت و اگر این ویژگی‌ها در بانو نبود، امام وی را برای اعطای حقوق مردم نمی‌فرستاد.

۴. حُمیده؛ وصی امام صادق 7

پیش از این اشاره شد، منصور عباسی پس از آن که دستور کشتن امام صادق 7 را می‌دهد، از فرماندار مدینه می‌خواهد تا وصیت امام صادق 7 را ببیند و پس از شناسایی

وصی آن حضرت، وی را بکشد. محمد بن سلیمان، فرماندار مدینه پس از دیدن اسامی افرادی که در وصیت‌نامه امام به عنوان وصی از آن‌ها یاد شده، برای منصور دوانیقی می‌نویسد که جعفر بن محمد پنج نفر را به عنوان وصی انتخاب کرده است: منصور دوانیقی، محمد بن سلیمان، عبدالله بن جعفر و موسی بن جعفر (دو پسرش) و حمیده (همسرش). سپس وی از منصور می‌پرسد که کدام‌یک را بکشد.^{۹۰}

گرچه وصیت امام به چهار نفر دیگر غیر از موسی بن جعفر **7**، حرکتی سیاسی برای حفظ جان امام پس از خویش و از باب تقیه بوده، اصل این عمل در مورد حمیده، نشان دهنده عظمت شخصیت این بانو و جایگاه و مقام او نزد امام و نیز مردم عصر اوست. نکته جالب توجه این که حرکت سیاسی یادشده، دوبار دیگر در تاریخ ائمه : اتفاق افتاد: یک بار در مورد امام حسین **7** که حضرت زینب **3** را وصی خود قرار دادند و بار دیگر در مورد حدیث مادر امام حسن عسکری **7** که آن حضرت برای حفظ جان فرزندش، نام این بانو را در وصیت‌نامه، به عنوان وصی خود می‌آورد؛^{۹۱} به گونه‌ای که برخی تصور کردند پس از شهادت امام عسکری **7**، مادرش حدیث، عهده‌دار امامت خواهد شد^{۹۲} به نظر می‌رسد با مقایسه اوضاع سیاسی - اجتماعی شیعیان در عصر سه امام مذکور و نیز نوع برخورد خلفای وقت با علویان، دلیل شباهت نوع عملکرد آنان در تعیین وصی را می‌توان دریافت. با دقت در منابع مربوط به تاریخ تشیع، می‌توان دریافت که سال‌های ۶۱، ۱۴۸ و ۲۶۰ ق، از حساس‌ترین دوران امامت امامان شیعه بوده است. پس از شهادت امام حسین **7** تنها یک بازمانده از نسل امام **7** وجود داشت که باید برای هدایت جامعه اسلامی زنده می‌ماند و بیماری امام سجاد **7** و وصی قرار دادن حضرت زینب **3**، می‌توانست به انحراف ذهن دشمن بینجامد و زمینه‌ای برای حفظ جان وی باشد. و بنا بر قول مشهور، امام زمان نیز تنها فرزند امام عسکری و آخرین ذخیره الهی برای ختم سلسله امامت بودند و حفظ جان ایشان از اهم مسائل زمان به شمار می‌رفت. از این رو، سیاست

این دو امام شبیه هم است. در مورد امام صادق 7 قضیه متفاوت می‌شود؛ به این معنا که امام کاظم 7 تنها فرزند و بازمانده ایشان نیستند، اما از آن‌جا که فرزندان آن حضرت، مقبولیت اجتماعی داشتند و بعد از شهادت ایشان، فرقه‌های متعدد با اعتقاد به امامت هریک از آنان به وجود آمدند و امام می‌توانستند این اوضاع را پیش‌بینی کنند، برای حفظ جان وصی بر حق خود، از استتار سیاسی بهره می‌برند. فرقه‌های اسماعیلیه، مبارکیه، سمطیه و فطحیه، از جمله این فرقه‌ها هستند.^{۹۳}

نکته مشابه دیگر در سه مورد مذکور، برنامه‌ریزی برای کشتن وصی پس از امام حسین، امام صادق و امام عسکری 7، است که با استفاده از سخنان و نامه‌های موجود در منابع معتبر می‌توان اثبات کرد. البته موارد مذکور به اضافه قابلیت و ظرفیت‌های ویژه-ای که در سه بانوی بزرگوار، حضرت زینب 3، بانو حمیده و بانو حدیث وجود داشته، می‌تواند بخشی از دلایل موجود باشد. در مجموع بانو حمیده، بانویی تأثیرگذار در زمان اختناق عباسیان، راوی حدیث، وکیل و وصی معصوم بودند و از مهم‌ترین ویژگی‌های ایشان، داشتن مقام والای مادری معصوم را می‌توان برشمرد.

پایان زندگانی بانو حمیده

در مورد سال وفات بانو حمیده هیچ گزارشی در دست نیست و با استفاده از گزارش‌های مربوط به خریداری کنیزی با نام نجمه و تزویج او به امام کاظم 7 و مسائل مربوط به تولد امام رضا 7 از این کنیز، می‌توان گفت حداقل تا سال ۱۴۸ ق. یعنی زمان تولد امام رضا 7 این بانو در قید حیات بوده‌اند و از آن پس گزارشی وجود ندارد که حاکی از حضور وی باشد. در هر حال مدت عمر بانو، زمان وفات وی و نیز مکان مرقد مطهرش بر ما معلوم نیست.

همراه با بربریه، مغربیه و اندلسیه خوانده شده است. در موضوع خریداری وی از برده-فروش، نکاتی مطرح شده که بر عظمت شخصیت بانو دلالت دارد و امام باقر **۷** ایشان را ستوده‌اند. این بانو افزون بر موسی بن جعفر **۷** سه فرزند دیگر داشته که هر یک در تاریخ صدر اسلام به گونه‌ای تأثیرگذار بوده‌اند. برای آشنایی با ویژگی‌های بارز بانو حمیده، می‌توان به سخنان امام معصوم اشاره نمود که وی را با اوصاف حمیده، محموده، مصفاه و مهذبه ستوده‌اند. حضرت علی **۷** هنگام توصیف امام زمان **۷**، وی را با عبارت «ابن حمیده» می‌خواند که این جمله عظمت او را چندین برابر می‌کند.

بانو حمیده راوی چند حدیث است؛ از این رو، نامش در بین راویان احادیث در منابع رجالی دیده می‌شود. احادیث او در منابعی چون کافی، تهذیب الاحکام و الغیبه شیخ طوسی و آثار شیخ مفید آورده شده است. امام صادق **۷** برای اعطای حقوق اهل مدینه، این بانوی بزرگوار و مادر بزرگش، ام فروه را می‌فرستاد تا حقوق مردم را بپردازند. هم‌چنین نام وی را در وصیت‌نامه خویش به عنوان «وصی» می‌آورد، گرچه وصی اصلی آن حضرت، امام موسی بن جعفر **۷** بودند و بانو نیز همین اعتقاد را داشتند.

هم‌چنین امام صادق **۷** اصحاب خود را برای یافتن پاسخ سؤال فقهی خود، به بانو حمیده ارجاع می‌دهند و پاسخ بانو در منابع فقهی جزء مستندات قرار گرفته است. با توجه به اوضاع سیاسی - اجتماعی و فرهنگی شیعیان در دوره‌ای که این بانو در مدینه می‌زیست، نقش وی احتمالاً باید بسیار پررنگ‌تر و برجسته‌تر از آنچه در گزارش‌ها آمده، باشد اما به دلایل سیاسی و نیز وجود حریم ویژه بانوان حرم اهل بیت : میزان گزارش‌هایی که در دست است، اندکی ما را در تبیین شخصیت بانو یاری می‌کند. از زمان مرگ و محل قبر بانو حمیده گزارشی در دست نیست و تنها می‌توان گفت حداقل تا سال ۱۴۸ قمری در قید حیات بوده است.

پی نوشت ها

1. Female alive with a child form her mastet .

۲. مختاری مازندرانی، و علی اصغر مرادی، فرهنگ اصطلاحات فقهی، تهران: انجمن قلم ایران، ۱۳۷۷، ص ۲۳.
۳. ابراهیم اسماعیل شهرکانی، معجم مصطلحات الفقیه، قم: ذوی القربی، ۱۴۳۰، ص ۶۴۴.
۴. شوقی ابوخلیل، اطلس دول العالم الاسلامی، دمشق: دارالفکر، ۱۴۲۵، ص ۱۰۹.
۵. ابن خشاب بغدادی، تاریخ موالید الائمة، قم: مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۶، ص ۳۳؛ کتاب بغدادی، تاریخ الائمة، قم: مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۶، ص ۲۵؛ شیخ صدوق، عیون الاخبار الرضا، تحقیق حسین اعلمی، بیروت: مؤسسه اعلمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۹۶؛ شیخ مفید، الاختصاص، تحقیق علی اکبر غفاری، بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۱۵؛ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، بیروت: دارالاضواء، بی تا، ج ۲، ص ۷۴۷.
۶. ابن عنبه، عمدة الطالب فی انساب آل ابیطالب، تحقیق محمد حسن آل طالقانی، نجف: الحیدریه، ۱۳۸۰، ص ۷۴.
۷. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، بیروت: دارصادر، ۱۹۹۵ م، ج ۳، ص ۱۵۰.
۸. سیدمرتضی، حسینی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴، ج ۲۰، ص ۲۶.
۹. طبرسی، تاج الموالید، قم: مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۶، ص ۴۶؛ ابوالفرج صفهانی، مقاتل الطالبیین، تحقیق کاظم مظفر، نجف: المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵، ص ۴۱۳؛ ابن

طلحه شافعی، مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، بیروت: مؤسسه البلاغ، ۱۴۱۹، ص ۲۸۹؛ ابن سهیل اسکافی، منتخب الانوار فی تاریخ الائمة الاطهار، قم: مؤسسه الامام الهادی، ۱۴۲۰، ۱۴۰، ص ۷۴؛ کاتب بغدادی، پیشین، ص ۲۵، سبط ابن جوزی، تذکره الخواص، قم: منشورات الرضی، ۱۴۱۸، ص ۳۱۲.

۱۰. ابونصر بخاری، سرالسلسله العلویه، قم: شریف الرضی، ۱۴۱۳، ص ۳۶؛ ابن عنبه، پیشین، ص ۷۴؛ اربلی، پیشین، ج ۳، ص ۱۰۵.

۱۱. ابن سهیل اسکافی، پیشین، ۱۴۰، ص ۷۴؛ کاتب بغدادی، پیشین، ص ۲۵؛ سبط ابن جوزی، پیشین، ص ۳۱۲.

۱۲. یاقوت حموی، معجم البلدان، بیروت: دارصادر، ۱۹۹۵، ج ۸، ص ۲۲۵.

۱۳. همان، ج ۴، ص ۴۴۳.

۱۴. سیدضامن بن شدقم، تحفة الازهار و زلال الانهار، بی جا: بی نا، بی تا، ج ۳، ص ۵۴.

۱۵. اسکافی، پیشین، ص ۷۴.

۱۶. ابن حاتم شامی، الدرالنظیم فی مناقب الائمة اللھامیم، قم: جامعه مدرسین، بی تا، ص

۶۴۹؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، نجف: الحیدریه، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۲۸.

۱۷. ابن الساعی، مختصر اخبار الخلفاء، قاهره: مطبعة الامیریہ، ۱۳۰۹، ص ۳۶.

۱۸. طبرسی، تاج الموالید، پیشین، ص ۹۵.

۱۹. شیخ صدوق، پیشین، ج ۱، ص ۲۵.

۲۰. ابن شهر آشوب، پیشین، ج ۱، ص ۲۲۵؛ مامقانی، تنقیح المقال، نجف: مطبعة المبارکة

المرتضویہ، ۱۳۵۱، ج ۳، ص ۷۶.

۲۱. شیخ صدوق، پیشین، ج ۱، ص ۷۹۰؛ مسعودی، اثبات الوصیہ، قم: انصاریان، ۱۴۱۷،

ص ۲۴، کلینی، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷، ج ۱۰، ص ۴۷۷؛ ابوالفرج اصفهانی، پیشین، ص ۴۱۳.

۲۲. مسعودی، همان، ص ۱۹۰.

۲۳. همان، طبری، *دلائل الامامه*، پیشین، ص ۱۴۷.

۲۴. ابن شهر آشوب، پیشین، ج ۱، ص ۲۲۸.

۲۵. طبرسی، *تاج الموالید*، پیشین، ص ۹۵.

۲۶. محلاتی، *ریاحین الشریعه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۴۳۹.

۲۷. غروی، *محدثات شیعه*، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۵، ص ۱۵۲.

۲۸. اصغری نژاد، *حمیده مصفا*، قم: نورالسجاد، ۱۳۷۹، ص ۱۷.

۲۹. شیخ طوسی، *کتاب الغیبه*، تحقیق عبدالله تهرانی و شیخ علی احمد ناصح، قم: مؤسسه

المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱، ص ۵۲.

۳۰. همان.

۳۱. کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۴۷۶؛ طبری، *دلائل الامامه*، پیشین، ص ۳۰۸.

۳۲. طبرسی، *اعلام الوری*، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۷، ص ۳۰۸.

۳۳. مسعودی، *اثبات الوصیه*، پیشین، ص ۱۸۹-۱۹۰.

۳۴. البته این سخن امام صادق **7** را طایفه ممتوره نقل کرده‌اند که بر امامت امام

کاظم **7** توقف کردند و وی را امام زمان می‌دانند.

۳۵. شیخ مفید، *الفصول العشره*، تحقیق فارسی حسون، بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۴، ص ۳۱۴؛

ابن میثم بحرانی، *النجاة فی القیامة فی تحقیق امر الامامه*، قم: مؤسسه الهادی، ۱۴۱۷، ص ۱۹۹؛

مجلسی، *بحار الانوار*، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۳۷، ص ۱۶.

۳۶. ملا صالح مازندرانی، شرح اصول کافی، تحقیق میرزا ابوالحسن شعرانی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۱، ج ۷، ص ۳۵۴.
۳۷. مامقانی، پیشین، ج ۳، قسم ۲، ص ۷۶.
۳۸. کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۴۷۷.
۳۹. همان، ج ۴، ص ۳۰۱؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، تحقیق سید حسن موسوی خراسان، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۴۱؛ عاملی، هدایة الائمة الی الاحکام الائمة، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۱۲، ج ۱۱، ص ۲۸۶.
۴۰. کلینی، پیشین، ج ۳، ص ۲۱۷؛ شیخ صدوق، الامالی، قم: مؤسسه البعثه، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۷۸.
۴۱. شیخ مفید، الاختصاص، پیشین، ص ۷۱.
۴۲. کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۴۷۶.
۴۳. مسعودی، پیشین، ص ۱۸۹-۱۹۰؛ طبری، پیشین، ص ۳۰۸.
۴۴. طبرسی، اعلام الوری، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۵.
۴۵. کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۴۷۶؛ قطب‌الدین راوندی، الخرائج الجرائح، قم: مدرسه الامام المهدي (عج)، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۸۷.
۴۶. طبری، پیشین، ص ۳۰۸.
۴۷. طبرسی، پیشین، ج ۲، ص ۲۵.
۴۸. شیخ طوسی، الامالی، تحقیق مؤسسه البعثه، قم: دارالثقافه، ۱۴۱۴، ص ۷۲۱.
۴۹. مجلسی، پیشین، ج ۸، ص ۹.
۵۰. شهرکانی، پیشین، ص ۶۴۷.
۵۱. کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۴۷۷.

۵۲. طبری، پیشین، ص ۳۰۸.
۵۳. ابن سعد، پیشین، ج ۲، ص ۶۲؛ واقدی، المعازی، تحقیق بارسون جونس، بی‌جا: نشر دانش اسلامی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۶۷۵.
۵۴. طبرسی، پیشین، ج ۲، ص ۲۵.
۵۵. همان، ج ۱، ص ۵۴۶.
۵۶. شیخ صدوق، عیون الاخبارالرضا، پیشین، ج ۱، ص ۹۶.
۵۷. کاتب بغدادی، پیشین، ص ۲۵؛ اربلی، پیشین، ج ۲، ص ۷۶۶.
۵۸. ابوالفرج اصفهانی، پیشین، ص ۴۱۳.
۵۹. ابن شهر آشوب، پیشین، ج ۱، ص ۲۲۸.
۶۰. شیخ صدوق، عیون الاخبارالرضا، پیشین، ج ۱، ص ۳۳.
۶۱. مامقانی، پیشین، ج ۱، ص ۱۱۳.
۶۲. کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۳۸۵.
۶۳. شیخ مفید، الفصول العشره، پیشین، ص ۳۰۳.
۶۴. مجلسی، پیشین، ج ۱۲، ص ۳۷.
۶۵. کلینی، پیشین، ص ۴۷۶.
۶۶. امام صادق **7** در سال ۸۰ یا ۸۳ قمری به دنیا آمدند که در صورت اول هنگام گفت- وگویی عکاشه با امام باقر **7** چهل و چهار ساله و در صورت دوم، چهل و هفت ساله بوده‌اند.
۶۷. نوبختی، پیشین، ص ۶۸ - ۶۹.
۶۸. همان، ص ۷۷؛ شهرستانی، پیشین، ج ۱، ص ۱۴۸.
۶۹. نوبختی، همان، ص ۷۸.

۷۰. یعقوبی، پیشین، ج ۲، ص ۲۹۸.
۷۱. گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ص ۹۶، ۱۳۹۰.
۷۲. همان.
۷۳. طوسی، اختیار معرفة الرجال، پیشین، ص ۲۸۲.
۷۴. شیخ مفید، النصول العشره، پیشین، ص ۷۱.
۷۵. شیخ طوسی، کتاب الغیبه، پیشین، ص ۱۰۸.
۷۶. شیخ مفید، النصول العشره، پیشین، ص ۷۱.
۷۷. ابن اثیر الكامل فی التاریخ، بیروت: دارصادر، ۱۳۹۹، ج ۵، ص ۵۱۳-۵۲۰؛ یعقوبی، پیشین، ج ۲، ص ۳۷۴-۳۷۶.
۷۸. کلینی، پیشین، ج ۴، ص ۳۰۱؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، پیشین، ج ۵، ص ۴۱.
۷۹. شیخ صدوق، عیون الاخبار الرضا، پیشین، ج ۱، ص ۱۷۸؛ مامقانی، پیشین، ج ۳، ص ۷۶؛ علی نمازی شاهرودی، مستدرکات علم رجال الحدیث، تهران: چاپخانه حیدری، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۵۶۹.
۸۰. کلینی، پیشین، شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، پیشین.
۸۱. شیخ طوسی، اختیار معرفة الرجال، پیشین، ج ۲، ص ۷۴۰.
۸۲. برقی، المحاسن، تحقیق سید جلال الدین الحسینی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۸۰؛ شیخ صدوق، ثواب الاعمال، قم: منشورات شریف رضی، ۱۳۶۸، ص ۲۲۸؛ همو، الامالی، پیشین، ص ۵۷۱.
۸۳. برقی، پیشین، ج ۱، ص ۱۸۶.
۸۴. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۲۱۶؛ علامه حلی، خلاصة الاقوال، تحقیق جواد قیومی، قم: SID.ir

موسسه نشر الفقهه، ۱۴۱۷، ص ۲۳۷.

۸۵. محمد بن حسن صفار قمی، *بصائر الدرجات*، تحقیق حاج میرزا حسن کوچه باغی، تهران: منشورات اعلمی، ۱۴۰۴، ص ۹۵؛ نجاشی، *رجال النجاشی*، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۶، ص ۱۳۳؛ عاملی، *وسایل الشیعه*، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳، ج ۲۴، ص ۳۲۷.

۸۶. ابوالقاسم خویی، *معجم رجال الحدیث*، بی‌جا: بی‌نا، ۱۴۱۳، ج ۱۱، ص ۱۴۰.

۸۷. محمد الحسنون و ام علی مشکور، *اعلام النساء المؤمنات*، تهران: اسوه، ۱۴۱۱، ص ۱۲۹-۶۲۰.

۸۸. کلینی، *پیشین*، ج ۳، ص ۲۱۷؛ شیخ صدوق، *من لا یحضره الفقیه*، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۸.

۸۹. عاملی، *پیشین*، ج ۱، ص ۳۳۱.

۹۰. شیخ طوسی، *کتاب الغیبه*، پیشین، ص ۱۰۸؛ شیخ مفید، *الفصول العشره*، پیشین، ص ۷۱.

۹۱. شیخ مفید، *همان*، ص ۴۶.

۹۲. شیخ صدوق، *کمال الدین و اتمام النعمه*، تصحیح علی اکبر غفاری، بی‌جا: موسسه انتشارات اسلامی، ۱۴۲۶، ص ۵۰۶ - ۵۰۷.

۹۳. نوبختی، *پیشین*، ص ۶۷-۷۷؛ شهرستانی، *پیشین*، ج ۱، ص ۱۴۸.